

# تکنیکهای بنیادین

(( گیتار کلاسیک ))



## پیشگفتار

اغلب هنرجویان گیتار کلاسیک، با دیدن یک کنسرت و با مشاهده‌ی روش‌های مختلف نوازندگی، که گاهی ضد و نقیض‌اند، ناامید می‌شوند، اما با دیدن این شیوه در یک کتاب و همچنین با تایید گرفتن از اساتید خود، رضایت خاطر می‌یابند. هیچیک از این دو - مشاهده‌ی اختلاف تکنیک در نوازندگان کنسرت و تایید معلمان - نمی‌تواند راه کار مناسبی برای هنرجویان باشد. برای نوازنده‌ی مبتدی گیتار کلاسیک، دیدن تناقض‌ها و از آن طریق بدست آوردن نتیجه‌ی مطلوب، کار بسیار دشواری است.

اکثر تفاوت‌ها و اختلاف نظرها در میان نوازندگان برجسته، ناشی از اختلاف فیزیکی و جسمی‌شان است؛ و این سبب می‌گردد تا هر نوازنده‌ای در هر سطح - تکنیک را بر حسب روش خود مورد ارزیابی قرار دهد. آنچه از این بحث حاصل می‌گردد، مجموعه‌ای از انواع راحل‌هاست.

هدف اصلی این کتاب، طرح اصول بنیادین تکنیک گیتار کلاسیک است. ضوابط اصلی و زیر بنایی مطرح شده، به توسط هر هنرجو یا استادی قابل درک است و از این طریق اهداف واقعی آن را در می‌یابد.

با توجه به اصول مطرح شده، هر شخصی می‌تواند موقعیت واقعی‌اش را درک کرده و نمودار پیشرفت خود را با این موقعیت ارزیابی کند هر هنرجو باید - به جای تعصب کورکورانه نسبت به استاد خویش - کیفیت گفتار معلمش را با این اصول و مبنای تطبیق داده و مورد قضاوت قرار دهد.

این کتاب نه مُتَد است و نه ادعای تدریس خصوصی دارد، بلکه در ارتباط با هر مرحله‌ای از آموزش، کاربرد عملی داشته و به آنهایی که از این اصول و بر مبنای آن کار می‌کنند، قدرت می‌بخشد.

زمینه‌ی کلی تکنیک‌های گیتار، مدت‌هاست که با تاریخ اندیشی و برخورد انتقادناپذیر، مبهم و رازگونه جلوه کرده است. در این کتاب سعی شده است با آرایه‌ی فاکتورهای منطقی و ساده - که مبتنی بر مطالعه‌ی دقیق تکنیک‌هاست - از هرگونه ابهام دور شده و به سادگی هر مسئله‌ای برایمان روشن شود. هرگز از نوازندگان برجسته تقلید صرف نکنید، بسیاری از این نوازندگان، نقایصی در تکنیک نوازندگی‌شان وجود دارد که به دلیل استعداد زیاد بر مشکلات ناشی از آن، غلبه می‌کنند. این مشکلات برای هنرجویان با استعداد کمتر، ممکن است ناتوانی به همراه آورد. با توجه به اینکه هیچ هنرجویی نمی‌تواند فرض را بر باهوش و با استعداد بودن خود قرار دهد، بنابراین نمی‌تواند با تقلید صرف به راه خطا رود. در هر سطحی از تکنیک و پیشرفت، از تمرینات نادرست، که ممکن است به آنها عادت کرده باشید - پرهیز کنید و از این طریق از مسئولیت اضافی و همچنین از به تأخیر انداختن پیشرفت‌تان ممانعت کنید و در نهایت برای دست‌یابی کامل به استعداد بالقوه‌تان مهیا شوید. هیچگاه از این که سال‌ها مشغول انجام تمرینات غلط بوده‌اید، ناامید نشوید و با اراده مسیر جدید و درست را طی کرده و مطمئن باشید که به زودی به مقصد خواهید رسید. چنانچه تمایل دارید، بدون دردسر به تکنیک نوازندگانی همچون سگویا، ویلیامز و... دسترسی پیدا کنید، باید از دور شدن از

موارد با بحث‌ها و بررسی‌های غیر رسمی، سوالات فنی‌ای را مطرح ساخته و سپس به دنبال پاسخی مناسب برای آنها گشتم.

فهرست کردن اسامی همه‌ی کسانی که یاری‌ام کردند، امکان‌پذیر نیست؛ اما به هر حال همانطور که معتقدم، هر فهرستی با نام آندرس سگوویا آغاز می‌شود. در تفسیر و جمع‌بندی نهایی متن، نظریات و بررسی‌های مفصل چندین هنرمند تراز اول، بسیار کمک کردند. عدم شهرت این هنرمندان، مانع از هر تصور اشتباهی است که این کتاب را تفسیری از متد نوازندگی آنها قلمداد کنیم.

چندین تصویر خطی در متن کتاب رسم شده است که صرفاً الگوهای فتوگرافیکی نیستند، بلکه ترسیمی از نکات و ضوابط مطرح شده می‌باشند. بسیار مفید می‌بود که برای دست هر فرد - با ویژگی‌هایش - تصویری خاص رسم می‌شد، تا تقلید دقیقی از یک ساختار صورت نگیرد؛ اما این میسر نبود و ضمناً آنچه مهم است؛ متن کتاب بوده که در درجه‌ی اول اهمیت قرار داشته و باید تفسیر خواننده از هر تصویر را کنترل کند. هیچیک از ضوابط و رهنمون‌ها ناشی از خلاقیت من نیست، بلکه عصاره‌ای از تمرینات عملی پیشرفته از نوازندگان برجسته‌ی دنیاست و اصول آن با منطقی پی‌درپی، از خصوصیات جسمی ویژه متمایز می‌شود. من مدعی نوازندگی نیستم و هیچ نفع شخصی از به کارگیری این روش‌ها نمی‌برم؛ صرفاً بیننده‌ای هستم که کشفیات را با مهارت مناسب برای تنظیم آگاهی‌ام تثبیت کرده‌ام. از آنجایی که این اولین کتاب در نوع خودش است، به طور اجتناب‌ناپذیری مستعد و آماده‌ی پیشرفت و اصلاح است. به اشخاصی که به گیتار علاقمندند، خوش آمد گفته و از شنیدن نظریاتشان استقبال می‌کنم. نکته‌ی مهم آن است که به جای شناختن نویسنده‌ی کتاب باید به هدف او پی ببرید.

جان دو آرت<sup>۱</sup>

# اصول اولیه

نوازندگی گیتار کلاسیک بر مبنای پرورش کارآیی طبیعی دست‌ها و استفاده‌ی به‌ن‌ها، استوار است. با توجه به اینکه شکل و آناتومی دست در افراد، متفاوت است، شن و مشخص استیل باید براساس ویژگی‌های شخصی هر نوازنده باشد. در آموزش، تعدادی نمودار، عکس و... جهت نشان دادن وضعیت دست‌ها وجود نباید به عنوان الگوهایی همگانی مورد تقلید قرار گیرند، زیرا ممکن است مرفت هنرجو گردند.<sup>۱</sup>

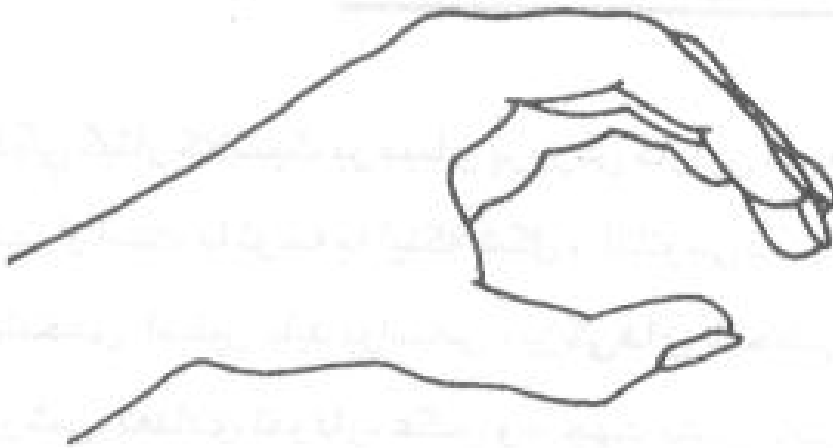


برای رفع چنین مشکلاتی، به ساخت ترکیب‌های مهم دست پردازیم. توجه داشته باشید که ساخت کامل آناتومی دست، و ط به بحث این کتاب نیست:

شکل ۱

ترجم: بارها دیده شده که هنرجویی با دیدن عکس و... وضعیت دست‌ها، نشستن و... را تغییر داده و چون صرفاً تقلیدی بوده، معضل را دو چندان افزایش داده است.

انسان‌ها تکامل خود را مدیون دست‌هایشان هستند. دست‌ها از طریق نگه داشتن وسیله‌ی دفاع، در دست گرفتن غذا، بلند کردن اشیاء و... همیشه یاری مان داده‌اند. توانایی انجام اعمال فوق، به علت قابلیت انحنای و انعطاف پذیری انگشتان دست است:



شکل ۲

انگشتان دست با انحنای ملایم، آزادی عمل‌کردش را حفظ می‌کند؛ اگرچه این انحنای، مانند محکم بسته شدن انگشت‌ها و تماس سرانگشتان با کف دست می‌باشد. در نوازندگی گیتار، دست‌ها به طور هدفمندی از مکانیسم محکم گرفتن چیزی، پیروی می‌کنند.

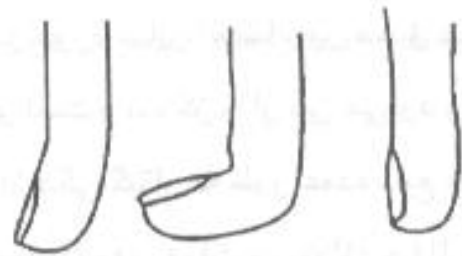
## ۲ - فشردگی

هرگاه انگشتان و شست نزدیک به یکدیگر قرار گیرند، واحد قدرتی کم حجمی را تشکیل می‌دهند که قوی‌ترین وضعیت برای دست محسوب می‌گردد. هر وضعیت دیگر دست، فاقد کارایی لازم و دارای بازده کمتری است.

## ۳ - انعطاف پذیری (قابلیت انحنای)

سنجش میزان انعطاف انگشتان و شست برای نوازندگی گیتار ضروری است. اگر

دست چپ - که ممکن است حل آن میسر نباشد.<sup>۱</sup> نوع انعطاف و میزان آن با فشار دادن سر انگشت بر روی سطح صاف - مانند عمل تمبر چسباندن به روی پاکت نامه - مشخص می‌گردد. (شکل ۳a). برخی از افراد قادرند سرانگشت خود را با زاویه‌ی راست به عقب خم کنند (شکل ۳b)؛ در حالی که دیگران نمی‌توانند بخش‌های میانی و بالایی را بدون درد خم کنند (شکل ۳c). نقش این انعطاف در مباحث آینده مطرح خواهد شد.



شکل ۳

دست‌ها دارای ویژگی‌های دیگری نیز - علاوه بر انعطاف پذیری - هستند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند؛ این مشخصات عبارتند از:

الف - طول واقعی و نسبی انگشتان

ب - طول و نوع انحنای شست و وضع قرار گرفتن آن بر روی دست

ج - شکل و بافت سرانگشتان

د - سختی، قدرت و شکل ناخن‌ها

تمامی فاکتورهای بالا، در انتخاب راه حل مناسب برای مشکلات اصلی، تأثیر گذارند. هر هنرجوی گیتار باید با توجه به موارد فوق درصدد حل مشکل

مشکل

۱- مترجم - چنانچه انسان کاری را با تمام وجودش دوست داشته باشد، تمامی مشکلاتش را قدم به قدم حل می‌کند؛ کلماتی نظیر «غیر ممکن» «میسر نیست» و... صرفاً بیانی از یک نگرش و طرز تلقی است و متضمن هیچ معنای مطلق نیست.

خود برآید. برای کسب اعتماد به نفس بیشتر، جمله‌ای از «سگویا» را برایتان ذکر می‌کنم: **«شما همیشه سعی کنید، اولین خودتان باشید، نه سگویای دوم».**

مدهای بسیاری براساس منطق گرای جسمی و عملکرد مؤلفین شان نگاشته شده‌اند و بعضاً به عنوان راه‌حل‌های مدل بیان می‌گردند؛ و یا کسانی از این مؤلفین بت ساخته و این مدل‌ها را تبلیغ می‌کنند - اطمینان داشته باشید که این گونه نگرش هرگز به طور جهانی قابل اعمال نمی‌باشد.

عامل مهم دیگر، راحتی و آرامش در هنگام نوازندگی است، اگرچه این اصل صرفاً در ارتباط با دستها نیست و در مورد سایر اعضا نیز صدق می‌کند. هرگونه کشیدگی و انقباض بی‌ثمر اتلاف انرژی است و تمرکز را از بین می‌برد و متعاقب این امر، بازده کم می‌شود. مسایل بنیادی نوازندگی گیتار به طور عمده تابع مکانیسم بدن است. هرگاه نوازنده‌ی برجسته‌ای را دیدید که به سهولت می‌نوازد و با راحتی انگشتان خود را حرکت می‌دهد و یا به نرمی سیم‌ها را به ارتعاش در می‌آورد؛ حتم بدانید که هیچ‌گونه تنشی در عضلاتش وجود ندارد و این نوازنده کشیدگی را به حداقل رسانده است. اغلب طرح‌های ارابه و جانبداری شده در این کتاب - به طور مستقیم و یا غیر مستقیم - در کاهش تنش‌ها کمک می‌کند. مهمترین تنش‌ها آنهایی‌اند که ممکن است برای زمانی طولانی به درازا بیانجامند. به عنوان نمونه، طرز نشستن غلط و یا گرفتن یک باره‌ی کامل به طور نادرست - که بدن و یا انگشت در زمانی طولانی در این وضعیت‌ها ثابت می‌گردد - باید تصحیح شده تا از هر گونه تنش اضافی جلوگیری شود. حتی انقباض قسمت کوچکی از بدن، باعث گسترش کشیدگی شده و به سایر اعضا منتقل می‌گردد - البته زمانی که بدن در حال فعالیت کردن است -.

## طرز قرار گرفتن بدن

چنانچه با طرز قرار گرفتن بدن نوازندگان طراز اول آشنا شوید، برایتان بسیار سودمند است به طور کلی این سازگارترین بُعد فردی تکنیک است. قرار گرفتن صحیح



است: ابتدا با دست راست، از لبه پای راستی که در حالت ایستاده در دست راست قرار دارد، به

الف) راحتی و آرامش نوازنده

ب) گیتار در وضعیت ثابت قرار گیرد و برای نگه داشتن آن، نباید هیچگونه عمل اضافی انجام داد و یا از این بابت نگرانی داشت.

ج) شانه‌ها و دست‌های نوازنده، طوری قرار گیرند که نوازنده در حین نوازندگی احساس راحتی کند.

برای ایجاد شرایط فوق به شرح فاکتورهای دخیل می‌پردازیم:

۱- صندلی

۲- زیرپایی

صندلی باید بدون دسته باشد، تا نوازنده به راحتی دست‌هایش را حرکت دهد. ارتفاع صندلی در ارتباط با طول زیرپایی مشخص می‌گردد؛ انتخاب این دو هماهنگ با یکدیگر است.

۳- وضعیت پاها

استحکام زیرپایی اولین شرط لازم است. نوازنده هرگز نباید احساس کند که زیرپایی با فشار پا، خم و یا کج خواهد شد. از مشخصات دیگر یک زیرپایی مناسبی، وزن سبک، فرم و قیافه‌اش است.

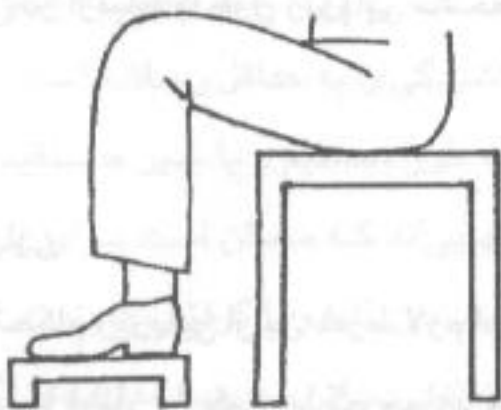
طرز قرار گرفتن پاها باید ثابت و عدم کشیدگی آنها را تضمین کند.

پای چپ: کف پای چپ را روی زیرپایی قرار می‌دهیم و از هرگونه تمایل برای بالا بردن پاشنه‌ی پا، خودداری می‌کنیم؛ زیرا بی‌ثباتی را همراه دارد.

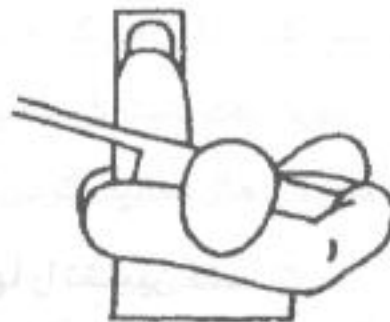
ارتفاع نامتناسب بین صندلی و زیرپایی نیز عدم ثبات را فراهم میکند.

**نکات کلی:** کف پای چپ باید کاملاً راحت روی زیر پای قرار گیرد. ران پای چپ نباید بر روی سطح صندلی بیفتد.<sup>۱</sup> و به آرامی بر روی زانو قرار می‌گیرد. ارتفاع صندلی و زیرپایی مقدمات این مرحله را فراهم کرده و از کج شدن و یا افتادن گیتار جلوگیری می‌کند. در برخی از آناتومی‌ها - علی‌الخصوص آنهایی که بدن بلندی دارند - بهتر است شیب ران پای چپ بیشتر شود، تا گیتار در وضعیت مناسب‌تری برای نواختن قرار گیرد.<sup>۲</sup>

پای راست: برای جلوگیری از خواب رفتگی، یا حتی رگ به رگ شدن، پای راست باید زیاد جابجا شود. برای ایجاد شیب، ران راست باید به طرف پایین متمایل شود؛ مقدار شیب به آناتومی و راحتی هر شخص بستگی دارد. ممکن است پای راست مستقیم قرار گیرد و یا حتی می‌توانید آن را به زیر صندلی ببرید؛ در هر صورت پا طوری قرار می‌گیرد که نوازنده کاملاً راحت و بدون تنش باشد.



شکل ۴a



شکل ۴b

۱- برای بستن یابی به این منظور، باید روی لبه‌ی صندلی بنشینیم.

۲- زاویه بین بدن و ران پای چپ - بسته به آناتومی‌های متفاوت - متغیر بوده و به طور قطع، باید کمتر از ۹۰ درجه باشد.

## ۴ - بدن

بدن نوازنده، تا حد ممکن مستقیم قرار می‌گیرد و فقط اندکی قوس کافی است تا قفسه‌ی سینه‌اش با لبه‌ی بالایی پشت گیتار تماس شود. این قوس به منظور حفاظت از گیتار و تثبیت استقرارش ضروری است (شکل ۵).



به منظور سلامتی و راحتی نوازنده، کمر تا حد ممکن راست نگه داشته شود، طوری که ستون مهره‌ها خم نشود. در هنگام نوازندگی، ممکن است که شخص در زمان‌های طولانی در وضعیت ثابتی بنشیند؛ این کار به سلامتی او

لطمه می‌زند. برای پیشگیری از این آسیب، توصیه می‌شود که در هنگام تمرینات طولانی، با بلند شدن از روی صندلی، وقفه‌هایی در نشستن اتفاق افتد تا بدن در وضعیت‌های دیگر نیز قرار گیرد. نوازنده‌ی کنسرت - در اجرای برنامه‌اش - به دلیل تشویق تماشاچیان، عمل بلند شدن را - به منظور ادای احترام - چندین بار انجام داده و همین امر از آسیب‌های احتمالی جلوگیری می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۵ - گیتار

فرورفتگی تحتانی گیتار در کشاله‌ی ران پای چپ قرار می‌گیرد و گیتار به راحتی و با فشار کم در این وضعیت مستقر می‌شود. چهار قسمت از بدن با گیتار در تماس‌اند و این اعضاء نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت وضعیت آن دارند:

۱- چنانچه نوازنده‌ای مبتدی هستید، توصیه می‌شود به جای کار مستمر تعداد دفعات تمرین‌تان را افزایش دهید.

الف - پای راست: ران پای راست با انتهای بدنه‌ی گیتار در تماس است و این اندکی در مهار کردن گیتار مؤثر است.

ب - پای چپ - استقرار گیتار به روی پای چپ و حرکت گهواره‌ای آن در کشاله‌ی ران.

ج - قفسه‌ی سینه: گیتار به آرامی و بدون فشار به قفسه‌ی سینه می‌چسبد.

د - دست راست: ساعد بر روی برجستگی بزرگ فوقانی قرار می‌گیرد و وزن طبیعی دست مانع می‌گردد که ساز به صورت نامتعادل با وزن سر دسته قرار گیرد.

**نکته:** با توجه به نکات بالا، زاویه‌ای دسته‌ی گیتار با سطح افق تعیین می‌گردد و معمولاً شیب آن طوری است که ابتدای سر دسته به موازات و در سطح شانهای چپ قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>



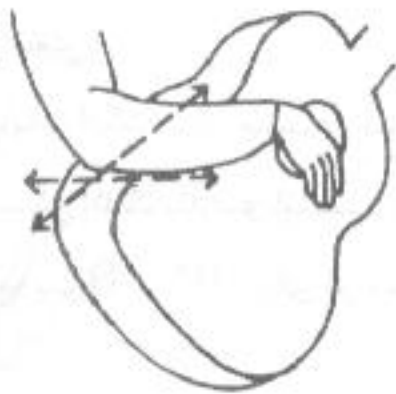
شکل ۶

#### ۶ - دست راست

چنانچه دست راست به روش صحیح قرار گیرد، وزن آن گیتار را مهار میکند و نیازی به صرف انرژی اضافی نداریم. در این وضعیت، هرگاه دست‌تان را به سمت پایین

۱- به طور معمول، زاویه‌ی دسته‌ی گیتار با سطح افق «۲۰» الی «۲۵» درجه است. این زاویه بسته به طول تنه‌ی اشخاص قابل تغییر می‌باشد.

رها کنید، باید کاملاً آزاد بوده و در محدوده‌ی حرکت پاندولی به راحتی در نوسان باشد. در حالت فوق دست قادر است تا سیم‌های نزدیک به همان قسمت را - در حیطه‌ی حرکت پاندولی - به ارتعاش در آورد، بهترین نقطه اتکای دست، قسمت فوقانی ساعد - نزدیک آرنج - است و از این طریق - با وزن کف دست و ساعد - انگشتان نزدیک سیم‌ها قرار می‌گیرند. این نقطه‌ی اتکا فرصت بیشتری برای متعادل نگه داشتن دست در مقابل حرکت ناخواسته‌ی ناشی از عملکرد عادی ایجاد می‌کند. این تعادل در اثر تجربه‌ی شخصی به دست آمده و هر کسی باید، شخصاً زمان این تجربه کردن را برای خود فراهم سازد. اگرچه نقطه‌ی مشخصی را نمی‌توان برای این اتکا تعیین کرد؛ اما برای دست‌های کوتاه این نقطه بیشتر به سمت آرنج تمایل دارد. برای مشخص کردن این نقطه باید به ماهیچه‌ها و اعصاب توجه داشت تا دست در راحت‌ترین وضعیت‌اش قرار گیرد؛ «به شکل ۷ نگاه کنید»



شکل ۷

### وضعیت قرار گرفتن دست‌ها و کاربردشان

ویژگی و کارایی دست‌ها براساس تفسیرهای متفاوت از عمل «گرفتن» قرار دارد.

#### دست راست

اگر دست راست به روش صحیح قرار گرفته باشد، در نزدیکی سیم‌ها آویزان خواهد ماند؛ طوری که سوراخ انعکاس صدا در زیر دست واقع می‌شود. حال برای دست یابی به وضعیت نواختن، کافی است اندکی مچ را چرخانده تا پشت دست در حالت موازی با شکم گیتار قرار گیرد. برای رسیدن به وضعیت نواختن نیازی به حرکت دادن ساعد نیست.

## نکات مربوط به وضعیت نواختن

### ۱- مچ دست راست به شکل منمنی قرار گیرد<sup>۱</sup>

الف) چنانچه انحنای مچ بیش از اندازه باشد، این خمش بزرگ باعث کشیدگی تاندون‌ها شده و ایجاد ناراحتی می‌کند.

ب) چنانچه مچ دست در راستای ساعد قرار گیرد - یعنی بدون انحنا - این نیز مانعی برای رسیدن به توازن‌دگی راحت ایجاد کرده و نوعی مقاومت منفی برای مچ محسوب می‌گردد.

### ۲- انگشتان دست راست به نرمی خم شوند

الف) هر سه مفصل انگشتان - یعنی پایه - میانی و سرانگشت - به نرمی خم شده و با کف دست شکل استوانه‌ای می‌سازند.

ب) انگشتان در هر وضعیت دیگری قرار گیرند، از قدرت طبیعی‌شان کاسته می‌شود: وضعیت‌هایی نظیر:

I بند پایه‌ی انگشت در مسیری مستقیم با پشت دست.

II خمیدگی اندک بند سر انگشت و ایجاد زاویه‌ی شیب‌دار با بند پایه‌ی انگشت.

هر دو وضعیت (I) و (II) برای نواختن مناسب نیستند.

**نکته:** چنانچه بند پایه‌ی انگشت در مسیری مستقیم با پشت دست قرار گیرد، بندهای

میانی و سرانگشت، به طور طبیعی تمایل به حلقه شدن پیدا می‌کنند. این تمایل به تدریج

افزایش یافته و از ایجاد صدای مناسب جلوگیری می‌کند.<sup>۲</sup>

فصل دوم

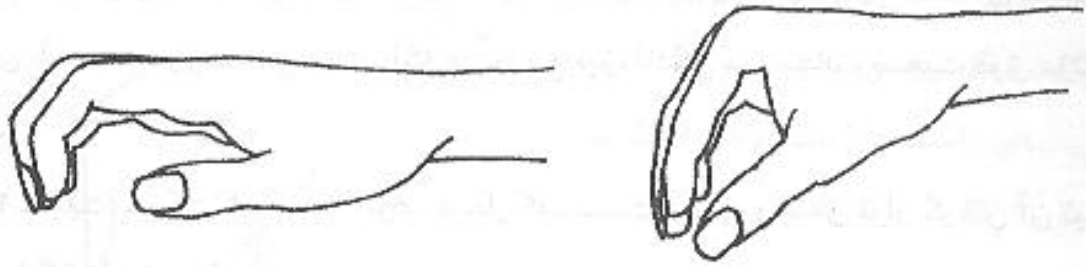
۱- انحنای مچ کاملاً منحصر به فرد و قوس آن در اشخاص مختلف، متغیر است. آنچه که می‌تواند به عنوان شاخصه

بکار رود فاصله مچ با صفحه‌ی صداست که حداقل باید به اندازه‌ی ارتفاع چهار انگشت دست باشد

۲- نوعی ضربی خاص در فلامنکو، به نام پیکادو منطبق بر حالت (I) است. این ضربی در موسیقی سنتی اسپانیا،

به دلیل صدای ویژه‌اش بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بسیاری از پاساژهای ملودیک دستگاه‌های فلامنکو

بکار می‌رود.



شکل ۸

ج) تا حد ممکن شست را به طرف عقب برده تا قوس طبیعی اش را ایجاد کند. جهت حرکت شست در هنگام ضربه زدن به طرف انگشتان دیگر است؛ اما توجه داشته باشید که زاویه‌ای حرکت آن به طرف داخل کف دست نیست. شست و سایر انگشتان به سوی یکدیگر حرکت کرده و هر یک بر طبق شکل ۹ طرف مخالف ورقه‌ی نازک مقوا را لمس می‌کنند و این به طور تقریبی وضعیت دست را در طول نواختن مشخص می‌کند.



شکل ۹

د) هرگاه انگشتان در وضعیت تریمولو - به روی سیم اول - قرار گیرند و شست بر روی سیم ششم بنشیند، دیگر انگشتان در وضعیت خمیده باقی می‌مانند. مزیت وضعیت فوق آن است که قدرت انگشت شست برای لولا شدن از مفصل پایه‌ای تثبیت

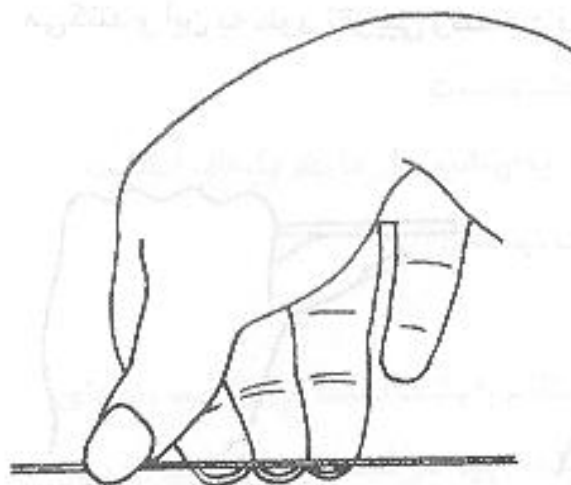
می‌گردد و در این حالت از انگشتان دیگر دور می‌شود. این وضعیت تنها با انحنای مفصل پایه‌ی شست صورت نمی‌گیرد، بلکه قوس میچ نیز، اندکی در ایجاد وضعیت فوق مؤثر است.

۳- جهت حرکت شست به طرف داخل کف دست نیست و محل قرار گرفتن آن نیز پشت انگشتان نمی‌باشد.

الف) اگر شست پشت انگشتان قرار گیرد - به عبارتی در داخل کف دست - در این حالت هرگاه انگشتان  $m_i$  و... و شست به سیم‌های مجاور ضربه بزنند، با یکدیگر برخورد کرده و اجتناب از این، منجر به حرکت نامتعارف شست می‌شود؛ در نتیجه صدای حاصله از تغییر وضعیت فوق، رضایتبخش نخواهد بود.

ب) ویژگی شست - طول، قابلیت انحنای و طریقه‌ای اتصال آن به دست - وضعیت مطلوب‌اش را مشخص می‌کند.

i- انگشت (i) در مسیر مخالف با شست، زاویه‌اش مشخص می‌شود مانند شکل ۱۰۸؛ انگشت  $m$  به طور خودکار شیب مورد نظر را گرفته و انگشت  $a$  در وضعیت زاویه‌ی راست با سیم قرار می‌گیرد.

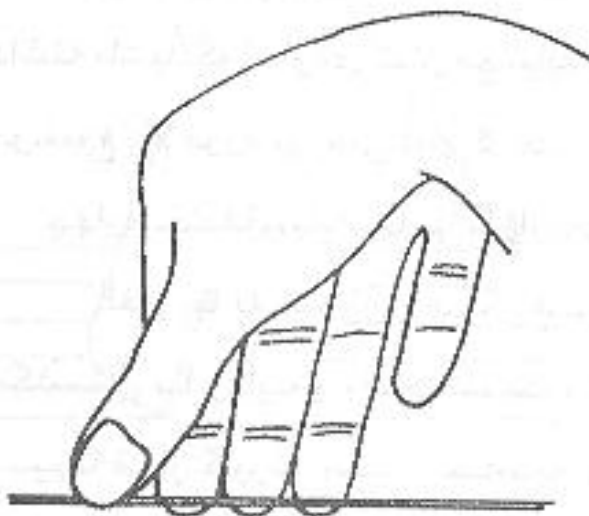


شکل ۱۰۸

ii- اگر شست به طور طبیعی با فیکوری جدا و دور از انگشتان دیگر قرار گیرد، باید تا حد ممکن آن را نزدیک انگشتان دیگر قرار دهیم. در غیر اینصورت، شست با فاصله‌ی زمانی بیشتر نسبت به سایر انگشتان جابجا شده و با فقدان یکپارچگی در حرکت مواجه می‌شویم. به هر حال همه‌ی انگشتان باید به طرف شست متمایل شوند و حتی ممکن



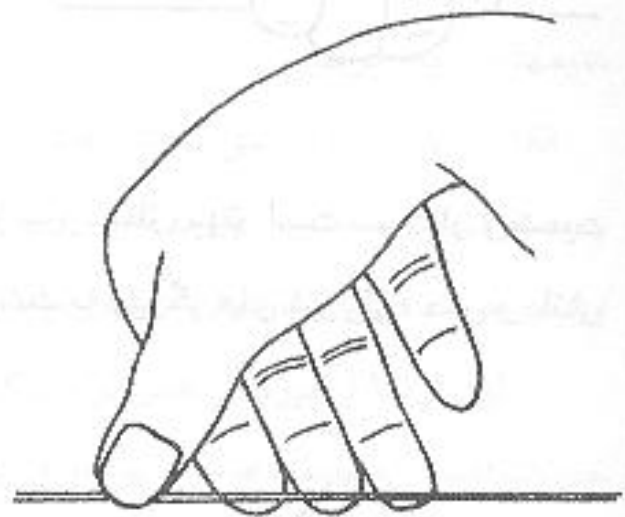
است، برای دست یابی به این مسئله، دو انگشت دیگر - یعنی I, III - نیز در وضعیت زاویه‌ی راست با سیم قرار گیرند. (شکل ۱۰b)



شکل ۱۰b

iii - شست کوتاه و بدون انعطاف، در پشت انگشتان قرار می‌گیرد و ناچاراً برای راحتی بیشتر باید کاملاً کشیده شود. سه شیوه برای کمک به حل مسئله‌ی فوق مطرح می‌گردد.

اول: می‌توانند سایر انگشتان دورتر از شست قرار گیرند. (شکل ۱۰c)



شکل ۱۰c

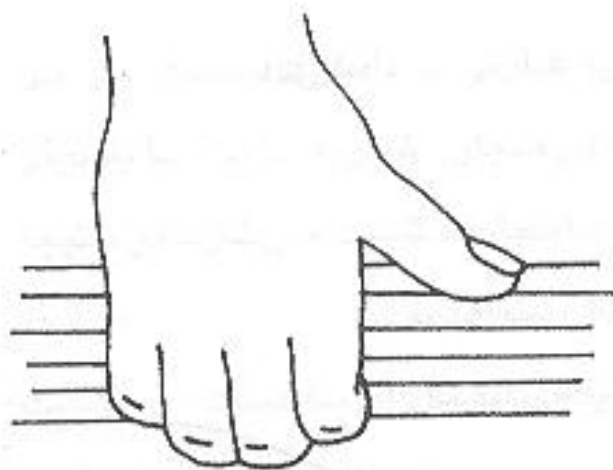
دوم: مفاصل پایه به طور برجسته به طرف جلو آمده و بالای سیم‌ها قرار گیرند؛ این عمل باعث می‌شود تا شست دورتر از انگشتان دیگر قرار گیرد. وضعیت بالا از آن جهت آسیب‌پذیر است که، در صورت غیر قابل انعطاف بودن مفاصل سرانگشت، ممکن است انگشتان، تحت هیچ شرایطی، خم نشوند.

سوم: قوس مچ بیشتر شود، شست دورتر از انگشتان دیگر قرار می‌گیرد. توجه داشته باشید که اندازه‌ی کمان مچ نباید بیش از حد باشد. در صفحات پیشین به تفصیل موضوع بالا مورد بررسی قرار گرفت.

چهارم - بندهای پایه، تقریباً با زاویه‌ی راست نسبت به سیم‌ها قرار می‌گیرند.

الف) بنا به ضرورت ممکن است

انگشتان با زاویه‌ی راست نسبت به سیم‌ها قرار گیرند. صدای حاصله از انگشتان در این وضعیت، سخت و کم‌جان بوده و نباید به وفور از آن استفاده شود.

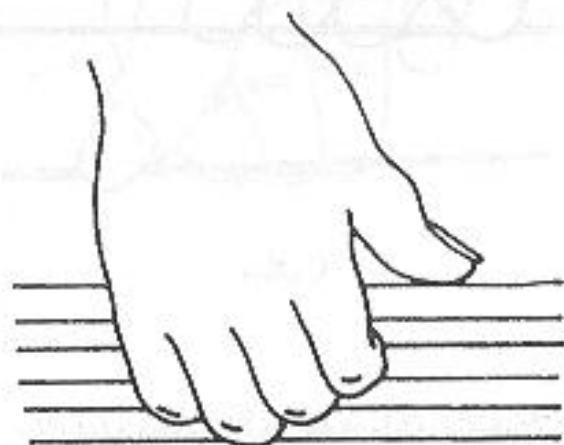


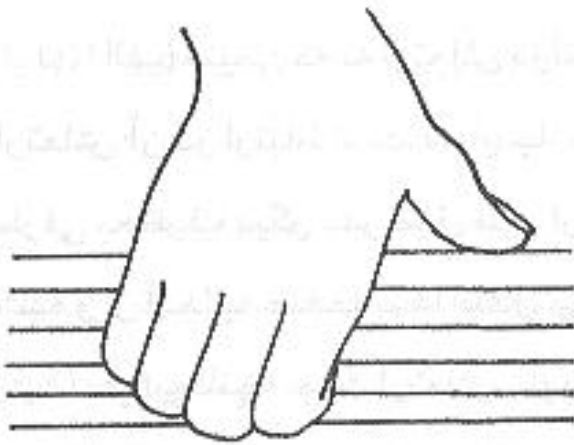
شکل ۱۱۸

ب) برای دست یابی به صدای مطلوب و مورد نظر، بهتر است دست از وضعیت زاویه‌ی راست جابجا شود. وسعت جابجایی دست به ویژگی‌های فیزیکی، حس و دانش زیبایی‌شناسی هر نوازنده مربوط می‌شود.

ج) دست می‌تواند به طرف صفحه‌ی

انگشت گذاری و یا بالعکس به سمت خرک متمایل شود. در حالت اول با گوشه چپ ناخن به سیم‌ها ضربه زده میشود و در دومین وضعیت، سمت راست ناخن به سیم‌ها ضربه می‌زند و هر یک صدای ویژه‌ای را به گوش می‌رسانند.





به ارتعاش در آوردن سیم‌ها با قسمت چپ ناخن - یعنی گوشه‌ای که به شست نزدیکتر است - کارایی بیشتری دارد، زیرا:

i - انعطاف کافی در مفصل مچ برای

چرخش کامل وجود ندارد و از این حیث استفاده از تمامی کناره‌های ناخن بدون ناراحتی میسر نیست.

ii - اغلب نوازندگان مشهور - پس از سگویا - بیشتر با قسمت چپ ناخن خود به سیم‌ها ضربه میزنند.

اگر مچ بتواند به راحتی در هر وضعیت دلخواه قرار گیرد، دلیلی وجود ندارد که از این چرخش استفاده نشود. نوازندگان خوب از این انعطاف پذیری مچ بهره‌ی لازم را برده و این نیز مزیت‌های متفاوتی را شامل می‌شود؛ که به سه مورد آن اشاره می‌کنیم:

اول - تمایل فیزیکی عمل نوازندگی، با چرخش دست همراه است، که برای مهار حرکات اضافی، قسمت فوقانی ساعد روی برجستگی بزرگ فوقانی گیتار تثبیت شده تا احساس محکم بودن را فراهم سازد.

دوم - با حداقل نیرو از افتادن دست به طرف پایین - به علت نیروی جاذبه، جلوگیری به عمل آمده؛ که انعطاف پذیری مچ این مهم را برآورده می‌سازد و نیازی به تغییر وضعیت کل دست نیست.

سوم - انعطاف مچ به حرکت شست در پشت انگشتان کمک می‌کند و زمانی که نوازنده در حال استفاده از انگشت شست است، چرخش مچ به او قدرت عمل بیشتری می‌دهد. عدم انعطاف مچ مانعی برای سهولت نوازندگی محسوب می‌گردد.

د - در هیچ متدی، کف دست و آرنج نباید با صفحه‌ی صدا تماس پیدا کنند.

۵- ارتعاش سیم‌ها تا حد ممکن موازی با صفحه‌ی صداست.

الف) سیمی که به ارتعاش درآید، شدت صوت‌اش به طور مستقیم با دامنه ارتعاش آن در ارتباط است. در اینجا، منظور از دامنه ارتعاش، مسافتی است که سیم از طرفی به طرف دیگر - در طول مدت ارتعاش - طی می‌کند. این ارتعاش به حرکت منتقل شده و از آنجا به صفحه صدا انتقال می‌یابد.

ب) چنانچه جهت ارتعاش سیم عمودی باشد - یعنی سیم را بکشید - همیشه احتمال خطر تلاقی وجود دارد و اگر سیم را با شدت بکشید، قطعاً سیم با فرت‌ها برخورد کرده و صدایی خاص تولید می‌شود. امکان وقوع برخورد سیم با فرت‌ها در حالت عادی نوازندگی نیز وجود دارد، اما می‌توان آن را به حداقل رساند.

ج) هرگاه دست در وضعیتی قرار گیرد که انگشتان بیش از حد حلقوی شوند، احتمال ارتعاش عمودی سیم‌ها افزایش یافته و این خود با کاهش شدت صوت همراه می‌گردد.

د - برای اطمینان حاصل کردن از طرز صحیح به ارتعاش درآوردن سیم‌ها، با دقت به حرکت سیم‌ها نگاه کنید و مطمئن شوید که ارتعاش آنها به موازات صفحه‌ی صداست. این نوع ارتعاش به بالا و پایین بردن صفحه‌ی صدا بسیار کمک می‌کند؛ اگرچه ارتعاش از حرکت به صفحه‌ی صدا منتقل می‌گردد. ارتعاش موازی با صفحه‌ی صدا، خطر برخورد سیم‌ها را با فرت‌ها کاهش می‌دهد.

۶- انگشتان با قاطعیت و تحت کنترل کامل نوازنده حرکت می‌کنند.

الف - هر یک از انگشتان در هنگام ضربه زدن به تنهایی حرکت کرده و سایر انگشتان در وضعیت ثابت و بدون حرکت می‌مانند - تا حد امکان.

ب) در هنگام ضربه زدن، تمامی قسمت‌های انگشتان حرکت می‌کنند؛ اما قدرت عملکرد، توسط اتصالات مفصل تأمین می‌شود و از این طریق به طور مؤثری نقش خود را در به ارتعاش درآوردن سیم‌ها، ایفا میکند.

ج - انگشتان دست چپ با ثبات کامل سیم‌ها را به طرف پایین فشار می‌دهند؛ به

طوری که عمل ضربه زدن کامل شود. توجه داشته باشید که پس از به ارتعاش درآمدن سیم‌ها، سایر انگشتان دست چپ را که نقشی ندارند، اندکی بالا برده تا از برخورد آنها با سیم مرتعش جلوگیری شود.

۷- در هنگام ضربه زدن، تا حد امکان انگشتانتان را نزدیک سیم‌ها قرار دهید.

الف - لازم نیست که انگشتانتان را سر جای خود - یعنی روی سیم‌ها - قرار دهید.

ب - بهترین محل قرار گرفتن انگشتان، مستلزم درک مناسب از ماهیت عملکرد

است. این روی سیم باید باشد تا انگشتانتان بتواند در جهت مناسب به سیم‌ها

ج - بهترین تکنیک باید براساس به صرفه‌ترین حرکت‌ها، استوار باشد. هرگونه

حرکت اضافی و غیر ضروری به عنوان نقص در تکنیک تلقی می‌شود.

۸ - حرکات اضافی انگشتان در حین نوازندگی، نشان دهنده‌ی عدم درک بنیادین

ماهیت عملکرد است.

الف - برای ضربه زدن به سیم‌ها نباید انگشتانتان را خیلی دورتر از سیم‌ها نگاه

دارید؛ زیرا مزیتی در ضربه زدن از نقطه‌ی دورتر، برای تولید شدت بیشتر - وجود

ندارد.

ب - سیم‌ها از طریق عملکرد قدرت پنجه‌ها و کاربرد نیروی ثابت عضلانی به

ارتعاش درمی‌آیند. ممکن است انگشتی به سیم ضربه بزند و صدای حاصله از آن

ضعیف باشد؛ برای رفع این نقص، نوازنده نباید از مچ و یا سایر قسمت‌های دیگر دست

کمک بگیرد. به خاطر بسپارید که حرکت انگشتان از مفاصل است و نه هیچ جای دیگر.

ج) کنترل دقیق صدا برای دست یابی به دینامیک‌های متفاوت، از طریق میزان

قدرت ضربه و نیز تنوع‌شان حاصل می‌گردد. برای تغییر دینامیسم استفاده از هر دوی

این متغیرها - یعنی انواع ضربه و قدرت ضربه - ضروری نیست.

۹ - نیازی به کشش بیش از حد بندهای سرانگشت نیست.

الف - قابل دسترس‌ترین ضربه، ضربه‌ی آپویاند و یا - تکیه - است. میتوان برای

به ارتعاش در آه زدن سیم‌ها از ضربه‌ی فوق استفاده کرد. این ضربه موازی با قسمت

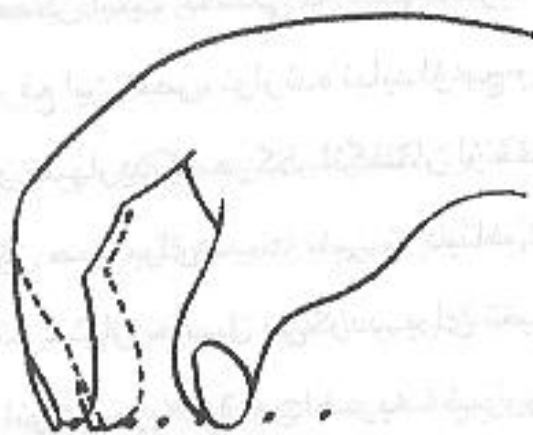
فوقانی صفحه صداست؛ به طوری که جهت آن عمود بر سیم بالاتر است و انگشت پس از ضربه زدن به روی سیم بالاتر تکیه می‌کند. زاویه‌ی خمش انگشت - هنگام زدن ضربه‌ی

آپویاند و در شکل ۱۲ نشان داده شده است. ۱

ب) برخی از نوازندگان معتقدند که مفصل بالایی باید کاملاً در وضعیت راحت باشد؛ این تئوری به طور کامل غیر عملی است. در این صورت اشخاص دارای مفصل بالایی با قابلیت انعطاف زیاد، دچار مشکل شده و نوع ضربه‌ی آنها موجب تغییر میزان انحراف سیم می‌شود. همانطور که قبلاً گفته شد، فشار غیر ضروری نباید به سرانگشتان وارد شود، و این مهم‌ترین ضابطه‌ای است که باید در نظر گرفته شود.

ج) نوازندگان طراز اول در پاسخ به این سوال که «آیا در هنگام ضربه‌ی پویاندو، مفصل بالایی باید کاملاً خم شود یا نه» اتفاق نظر ندارند.

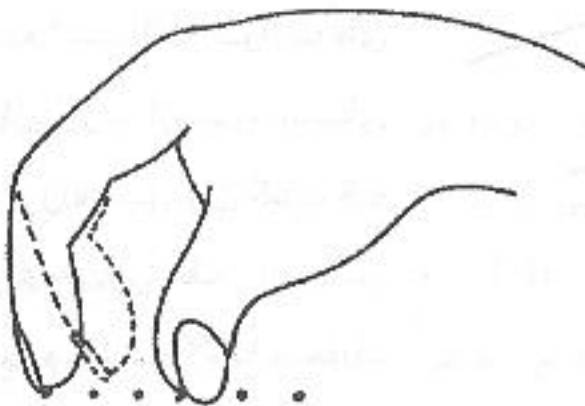
هدف اولیه به ارتعاش درآوردن سیم است و این مهم با حرکت درونی انگشت برآورده می‌شود. خم شدن سرانگشت - یا بند بالایی - در مسیر مخالف ضربه صورت می‌گیرد و این خود حرکت ثانویه بوده و عملکرد ضربه را اندکی دشوار می‌کند - ثابت نگاه داشتن مفصل بالایی بدون فشار بیش از حد و غیر ضروری، شفافیت بیشتری به صدا می‌دهد.



شکل ۱۲

۱- این زاویه بسته به طول انگشتان در افراد مختلف، متغیر است. هر چه انگشت کوتاه‌تر باشد، انگشت در وضعیت مستقیم‌تر قرار می‌گیرد. در این مورد، زاویه‌ی ۹۰ درجه مناسب است.

د) در اجرای ضربه‌ی تیراندو، فشار سرانگشت افزایش می‌یابد و جهت ضربه به طرف داخل کف دست است. حرکت فعال از بند اول انگشت و جهت آن به طرف داخل کف دست، می‌تواند هدف درست ضربه‌ی تیراندو باشد و این ضربه از طریق فاکتورهای فوق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بهتر است بدانید که ضربه‌ی تیراندو - بر خلاف ضربه‌ی آپویاندو - به سیم بالایی‌اش تکیه نکرده و در واقع از آن عبور می‌کند. (شکل ۱۳)



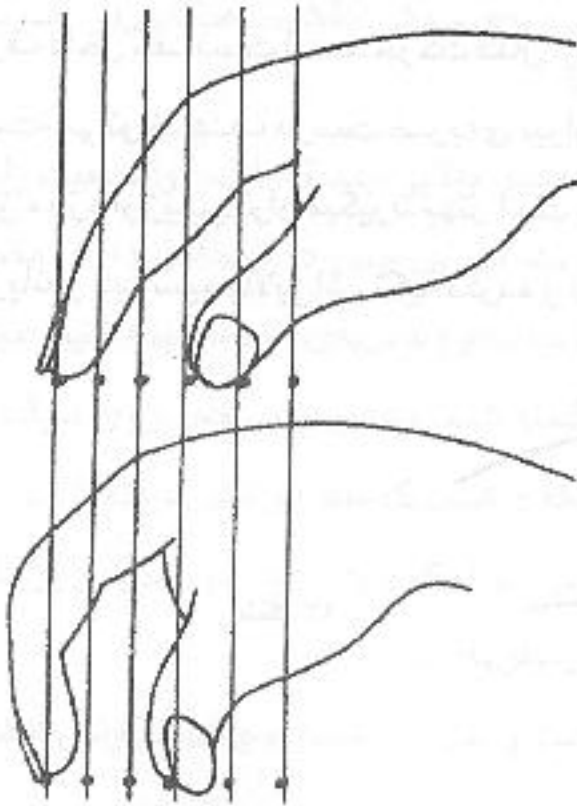
شکل ۱۳

ه) تغییر وضعیت دست راست در ضربه‌های تیراندو و آپویاندو، برداشتی سنتی است و اغلب نوازندگان حرفه‌ای این کار را انجام نمی‌دهند. در بعضی از قطعات - مانند Study in Bm از فرناندوسر - هر دو ضربه‌ی آپویاندو - تیراندو به طور همزمان به کار می‌روند و هیچ فرصت اضافی برای تغییر وضعیت دست وجود ندارد. ناهمسان سازی و وضعیت‌های متفاوت برای دست راست، موجب کشیدگی در نوک انگشتان شده و از سرعت عمل می‌کاهد. دست راستی که در حین نوازندگی آرام و راحت به نظر می‌رسد؛

i - با کاربرد نیروی پنجه‌ها حرکت میکند و فشاری از بیرون دیده نمی‌شود، صرفاً نتیجه‌ی آن شینده میشود.

ii - در هر دو حالت نواختن تیراندوی PP و یا آپویاندوی FF، صرفه جویی در حرکت کلی ضروری است.

شکل ۱۴



۱۰ - کنترل و پرداخت صدا از مهم‌ترین اهدافاند. صدای زیبای گیتار باعث جذابیت این ساز شده است. اگر نوازنده‌ای نتواند با مهارت از ساز خود صدای مطلوب درآورد، می‌توان گفت که نوازندگی‌اش بدون لطف است. در مورد پرداخت صدا، دیدگاه‌ها مختلف بوده و این خود اجتناب‌ناپذیر است.

لازم است بدانید که هیچ معیار استاندارد برای ارزیابی کیفی صدا وجود ندارد؛ اما در حالت کلی، اغلب نوازندگان و شنوندگان موسیقی گیتار، تمایل به شنیدن صدایی با شدت متوسط، گرم، دلنشین و واضح را دارند. تولید صدای زیبا به عوامل زیادی مربوط میشود، که تا حد ممکن به بررسی جداگانه‌ی آنها می‌پردازیم:

i - مهم‌ترین عامل برای تولید صدای مطلوب، آن است که کار نوازندگی به طور صحیح انجام پذیرد؛ که در صفحات پیشین به تفصیل شرح داده شد.

ii - عنصر دوم، استفاده از ناخن است؛ البته این مقوله، همچون مطلب ریاضی قابل اثبات نیست؛ اما با استفاده از ناخن:

اول - قطعاً صدای قوی‌تری خواهیم داشت.

دوم - تنوع گسترده‌ی صدایی و رنگ‌های مختلف

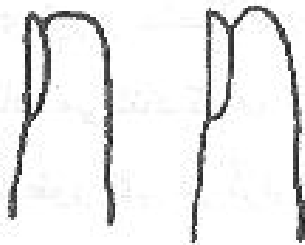
بهتر است بدانید که نیازهای اساسی - یعنی طرز قرار گرفتن و عملکرد دست‌ها - با یا



بدون ناخن، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد.

iii - صدا به توسط ناخن‌ها تولید می‌شود. ناخن مناسب برای به ارتعاش درآوردن سیمها، باید تا اندازه‌ای محکم باشد و در عرض آن نیز قوس کوچکی دیده شود، اگر ناخن شما دارای مشخصات فوق نیست، نگران نباشید و بدانید که تعداد کمی از افراد دارای این چنین، ناخنی‌اند. نوع ناخن امکان تولید صداهای متفاوت را به نوازنده می‌دهد و هر شخصی با توجه به محدودیت‌های شکل و فرم ناخن خود، می‌تواند به بهترین صدای مورد نظرش برسد.

iv - صدایی که از ارتعاش سیم‌ها تولید می‌شود، تحت تأثیر ماهیت عملکرد و شکل انگشتان است. ناخن متصل به ماهیچه‌ی سرانگشت - 15a - بهتر از حالتی است که ناخن دورتر از ماهیچه قرار گرفته باشد - 15b - . در حالت 15b ناخن تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرد و صدای تولید شده به توسط این ناخن‌ها، دارای حجم کمتری نسبت به حالت 15a است. با توجه به مشخصه‌ی فوق، در می‌یابیم که ناخن کوتاه برای کم کردن فشار وارد بر ناخن مناسب‌تر است. در مورد ماهیچه بدانید که ماهیچه‌ی سفت بهتر از ماهیچه نرم از ناخن حمایت میکند و صدای حاصله از آن قوی‌تر است.



شکل 15a 15b

V - زاویه‌ی انگشتان دست راست - در تولید صدا - از اهمیت خاصی برخوردار است. اگر انگشتان با سیم در وضعیت زاویه‌ی راست قرار گیرند، صدای حاصله تیز و ضعیف خواهد شد و چنانچه دست نوازنده با هر زاویه‌ی دیگری نسبت به سیم‌ها قرار گیرد، صدای نرم‌تری تولید می‌شود (شکل 11c / 11b). هر شخص باید به طور تجربی میزان چرخش دست و زاویه‌ی آن را با سیم‌ها پیدا کرده و از این طریق، گستره‌ی صداهای متنوع حاصله از ناخن‌هایش را بشناسد. برای شناسایی انواع صداهای دست